

مانیفست جنگ قرن 21

واشنگتن دی سی - 6 اکتبر 2005 - جورج بوش

حملات تروریست‌ها در خدمت يك ایدئولوژی مشخص و متمرکز است که از مجموعه‌ای از باورها و اهداف شیطانی و نه دیوانه وار تشکیل می‌شود. برخی آن را افراط گرایی اسلامی می‌خوانند، برخی دیگر نام جهادگرایی آشوب طلب بر آن می‌گذارند و دیگران به آن فاشیسم اسلامی می‌گویند. نام این ایدئولوژی هر چه که باشد با دین اسلام تفاوت بسیار دارد. این شکل از افراط گرایی، اسلام را به خدمت يك دیدگاه خشن سیاسی در می‌آورد که خواستار تاسیس يك امپراطوری انحصار طلب نفی کننده تمام آزادی های سیاسی و مذهبی به وسیله تروریسم و خرابکاری و شورش است. این افراط گراها از تفکر جهاد، دعوتی برای کشتار تروریستی بر ضد مسیحیان و یهودیان و هندوها و نیز مسلمانان فرقه های دیگر می سازند که آنان را **مرتد** می نامند.

بسیاری از این مبارزان، اعضای سازمان های تروریستی جهانی و بدون مرز مانند القاعده هستند که تبلیغ می کنند و سرمایه و کمک های فنی مورد نیاز افراط گرایان محلی را فراهم می سازند و رهبری عملیات بزرگ و وحشیانه ای همچون 11 سپتامبر را بر عهده می گیرند... سایر مبارزان را می‌توان در گروه‌های منطقه‌ای یافت که اغلب با القاعده، شورش‌های شبه نظامی و جریان‌های جدایی طلب در نقاطی مانند سومالی، فیلیپین، پاکستان، چینستان، کشمیر و الجزیره ارتباط دارند. دیگرانی نیز وجود دارند که در هسته‌های محلی شکل گرفته اند و از افراط گرایی اسلامی تاثیر می‌پذیرند اما به طور مستقیم توسط آنان رهبری نمی شوند. **افراط گرایی اسلامی** بیشتر شبیه به يك شبکه نه چندان پیوسته با شاخه‌هایی بسیار بیشتر از يك ارتش تحت فرمان واحد است. با این وجود همه این عناصر که در میدان‌های جنگ پراکنده مشغول مبارزه هستند از ایدئولوژی و دیدگاه واحدی نسبت به دنیای ما برخوردارند.

ما دیدگاه افراط گراها را می‌دانیم، زیرا آن را به روشنی در تصاویر ویدیویی، نوارهای صوتی، نامه‌ها، بیانیه‌ها و تارنماها اعلام کرده اند. نخست آن که افراط گرایان می‌خواهند به تاثیر آمریکا و غرب بر خاور میانه بزرگ خاتمه دهند، زیرا ما از مردم سالاری و صلح حمایت می‌کنیم و بر سر راه خواسته‌های آنان قرار گرفته ایم. اسامه بن لادن، رهبر القاعده از مسلمانان خواسته است تا "داریی‌ها، پسران و پول خود را برای بیرون راندن کافران از سرزمین‌هایشان" وقف نمایند. شگردهای آنان برای رسیدن به این هدف به مدت يك ربع قرن ادامه داشته است: آنان ما را می‌زنند و انتظار دارند که فرار کنیم. آنان می‌خواهند که ما بار دیگر تاریخ تلخ بیروت در سال 1983 و موگادیشو در سال 1993 را در مقیاس بزرگ تر و همراه با پیامدهای بیشتر تکرار کنیم.

دوم آن که شبکه مبارز می‌خواهد از خلا ناشی از عقب نشینی ایالات متحده برای در اختیار گرفتن زمام امور يك کشور استفاده نماید تا حملات خود را از آنجا ترتیب دهد و مبارزه با **حکومت‌های اسلامی غیر افراطی** را از این نقطه رهبری نماید. افراطیان در دهه‌های گذشته بیش از هر جا مصر، عربستان سعودی، پاکستان و اردن را هدف اشغال قرار داده اند. آنان برای برهه‌ای از زمان در افغانستان به این هدف دست یافتند. هم اکنون به عراق چشم دارند. بن لادن اعلام کرده است: "همه دنیا در حال تماشای این جنگ و دو دشمن است. نتیجه یا پیروزی و افتخار و یا بدبختی و تحقیر خواهد بود." تروریست‌ها عراق را جبهه اصلی خود در مبارزه بر ضد انسانیت می‌بینند. و ما باید عراق را جبهه اصلیمان در مبارزه با تروریسم بدانیم.

سوم آن که طبق باور مبارزان در اختیار گرفتن امور يك کشور، جمعیت‌های مسلمان را گرد هم می‌آورد و برای آنان امکان براندازی همه حکومت‌های میانه رو و تاسیس يك مپراطوری اسلامی از اسپانیا تا اندونزی را فراهم می‌سازد. تروریست‌ها با قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی بیشتر می‌توانستند برنامه کار اعلام شده شان مبنی بر تولید سلاح‌های کشتار جمعی، انهدام اسرائیل، ارباب اروپا، تهدید مردم آمریکا و تهدید دولت آمریکا به انزوا را بیشتر برند.

ممکن است برخی وسوسه شوند این اهداف را به دلیل تعصب آمیز یا افراطی بودن، نشدنی تلقی نمایند. البته آنها تعصب آمیز و افراطی هستند، اما نباید کنار گذاشته شوند. دشمن ما کاملاً متعهد است. همانگونه که زرقاوی عهد کرده است، "ما یا بر نژاد انسان پیروز می‌شویم و یا به زندگانی جاوید می‌رسیم." و دنیای متمدن به خوبی می‌داند که متعصبان دیگر تاریخ نیز از جمله، استالین، هیتلر و پل پوت (7) پیش از ترك عرصه تاریخ همه ملل را به جنگ و قتل عام کشانند. لازم است با مردان بد نیت جاه طلبی‌وجدان با جدیت برخورد شود و باید آنان را پیش از چند برابر شدن جنایاتشان متوقف سازیم.

شکست دادن شبکه ستیزه جویان دشوار است، چرا که رشد آن مانند يك انگل به عذاب و سختی کشیدن دیگران بستگی دارد. افراط گرایان درگیری‌های محلی را در خدمت بنا نهادن يك فرهنگ شکنجه می‌گیرند که همیشه در آن کس دیگری مقصر است و راه حل همیشه به خشونت منتهی می‌شود. آنان از مردان و زنان جوان آزرده و سرخورده سوء استفاده می‌کنند و آنان را از طریق مساجد که آلت دست تروریسم قرار گرفته اند به خدمت می‌طلبند و از فن آوری امروزی برای چند برابر کردن قدرت ویرانگرشان استفاده می‌کنند. اعضای جدید هم اکنون به جای آن که در اردوگاه‌های دورافتاده آموزش ببینند می‌توانند به کتابخانه‌های اینترنتی دسترسی داشته باشند که در آنها چگونگی ساخت بمب‌های کنار جاده‌ای یا منفجر ساختن نارنجک‌های موشکی آموزش داده شده است و این امر خطر خشونت را حتی در داخل جوامع صلح آمیز و مردم سالار انتشار می‌دهد.

تاثیر افراط گرایی اسلامی همچنین توسط یاری دهندگان و قدرت دهندگان بیشتر می‌شود. آنان توسط نظام‌های خودکامه و یاران مصلحتی مانند سوریه و ایران که هدف مشترکشان آزار آمریکا و دولت‌های اسلامی میانه رو است و از تبلیغ‌های تروریستی برای نسبت دادن خطاهای خودشان به غرب و آمریکا و یهودیان استفاده می‌کنند تحت پوشش قرار گرفته اند. این افراط گرایان بر پایه مراکز هم چون خیریه‌های فاسد استوار هستند که برای فعالیت‌های تروریستی پول جمع آوری می‌کنند. آنان توسط کسانی که پرخاشجویانه برای انتشار برداشت‌های افراطی و تعصب آمیز از اسلام در نقاطی ثبات سرمایه گذاری می‌کنند قدرت می‌یابند. ستیزه جویان همچنین توسط عناصری از رسانه‌های خبری عرب زبان که به نفرت و نگرش ضد سامی دامن می‌زنند و نظریه‌های توطئه آمیز را تغذیه می‌کنند و از آنچه در گذشته "مبارزه با اسلام" توسط آمریکا نامیده می‌شد صحبت می‌کنند و تقریباً يك کلام از اقدامات آمریکا برای محافظت از مسلمانان افغانستان، بوسنی، سومالی، کوزوو، کویت و عراق نمی گویند تقویت می‌شوند.

بنا بر باور برخی از آنها افراط گرایی حتی توسط اقدامات ائتلاف ما در عراق استحکام یافته است و طبق اظهار آنان حضور ما در آن کشور به نوعی باعث یا عامل خروش افراط گرایان شده است. به آنان یادآوری می‌کنم که ما روز 11 سپتامبر در عراق نبودیم و با این وجود القاعده به ما حمله کرد. نفرت افراط گرایان پیش از آن که عراق مساله روز باشد وجود داشت و پس از آنکه این کشور بهانه‌ای در دستان آنان نباشد نیز ادامه خواهد داشت. دولت روسیه از عملیات آزاد سازی عراق حمایت نکرد و با این وجود ستیزه جویان بیش از 180 دانش آموز را در بسلان به قتل رساندند.

افراط گرایان در طول سالها موارد زیادی را از جمله حضور اسرائیلیها در کرانه باختری یا حضور نظامی ایالات متحده در عربستان سعودی یا شکست طالبان یا جنگهای صلیبی هزاران سال پیش بهانه کرده اند تا به خشونت متوسل شوند. در حقیقت ما با مجموعه‌ای از ظلم و جور مواجه نیستیم که بتوان به آنها پرداخت و از حجمشان کاست. آنچه در برابر ما قرار دارد يك **ایدئولوژی افراطی** با اهدافی **اصلاح ناپذیر** مبتنی بر به اسارت در آوردن همه ملل و ارباب کل جهان است. هیچ يك از اقدامات ما قاتلان را به خروش دعوت ننمود و هیچ امتیاز، رشوه یا اقدامی برای تسلی برنامه‌های آنان را برای کشتار دگرگون یا محدود نمی‌سازد.

آنان بر خلاف این نظر کشورهای را هدف قرار می‌دهند که بیاندیشند می‌توان رفتارشان را از طریق خشونت تغییر داد. در برابر چنین دشمنی تنها يك واکنش کارآمد وجود دارد: ما هیچ گاه عقب نشینی نمی‌کنیم، هیچگاه تسلیم نمی‌شویم و هیچ گاه به چیزی کمتر از **پیروزی کامل** قانع نمی‌شویم. (کف زدن).

ایدئولوژی مرگبار افراط گرایان اسلامی **چالش بزرگ** ما در قرن جدید است. قائل تئو ون گگ در دادگاهی در هلند به مادر گریان قربانی رو کرد و گفت: "من درد شما را احساس نمی‌کنم، زیرا به اعتقاد من شما يك کافرید." و بر خلاف ظاهر این شعار مذهبی، بیشتر قربانیان دست این ستیزه جویان، مسلمانان هستند.

ساده و روشن است که قتل 25 کودک عراقی در يك بمب گذاری با اعدام معلمان عراقی در مدرسه‌هایشان یا کشتار پرستارانی که در بیمارستان‌ها مشغول مراقبت از بیماران هستند قتل یا رد کامل عدالت و شرافت و اخلاقیات و مذهب به شمار می‌رود. این ستیزه جویان تنها دشمن آمریکا و عراق نیستند، بلکه دشمن اسلام و انسانیت اند. (کف زدن). سران آنان وانمود می‌کنند که حزبی ستم دیده و نماینده مظلومان در برابر دشمنان ستمگرشان هستند. در واقع آنان دارای جاه طلبی بی‌پایان برای تسلطی فرمانروایانه هستند و آرزو دارند قدرت را از همه کس غیر از خودشان بگیرند. آنان در حکومت‌هایشان کتاب‌ها و مجسمه‌های تاریخی را ممنوع اعلام کرده اند و با زنان وحشیانه رفتار می‌کنند. آنان به دنبال پایان بخشیدن به هر گونه مخالفت و نظارت بر تمام جنبه‌های زندگی و حکومت بر افراد هستند. تروریست‌ها در حالی که **آینده‌ای عدالتمند و مقدس** را وعده می‌دهند مشغول آماده سازی آینده‌ای آکنده از ستم و بدبختی هستند.

رادیکالیسم اسلامی نیز دارای تضادهای فطری‌ای است که آن را محکوم به شکست می‌کند. با وحشت از آزادی. تنها بخش مدرن دیدگاه‌های این مبارزان سلاح‌هایی است که می‌خواهند بر علیه ما به کار گیرند. مابقی دیدگاه‌های خشونت آمیز و بی‌رحمانه آنها به واسطه تصویر کج و منحرفی که از گذشته دارند تعریف می‌شود - اعلام جنگ بر علیه اندیشه پیشرفت. آنهایی که از آزادی و پیشرفت نفرت دارند خود را به انزوا، نزول، و سقوط محکوم می‌کنند.

ما مصمم هستیم تا از حملات شبکه‌های تروریستی **قبل از اینکه به وقوع بپیوندند** جلوگیری کنیم. ما با سازماندهی مجدد دولت خود در حال ایجاد سیستم دفاعی گسترده و هماهنگی برای کشورمان هستیم. ما برای انجام وظیفه بسیار دشوار ردیابی فعالیت دشمن بر اساس اطلاعاتی که معمولاً از منابع پراکنده داخلی و خارجی به صورت متفرقه و ناقص به دست می‌آید در حال اصلاح آژانس‌های اطلاعاتی خود هستیم. **ما به همراه دولت‌های بسیاری از کشورهای دیگر** در جهت نابود کردن شبکه‌های تروریستی و ناتوان کردن رهبران آنها در حال اقدام هستیم. با همکاری با یکدیگر، ما تقریباً تمامی آنهایی که مسئولیت مستقیم در حملات 11 سپتامبر داشتند و همچنین برخی از معاونان ارشد بن لادن و مدیران و عاملان سازمان القاعده در بیش از 24 کشور را یا کشته یا دستگیر کرده ایم. از میان این افراد، می‌توان به مغز متفکر حمله به کشتی یو اس اس کول که رئیس عملیات القاعده در منطقه خلیج فارس بود، مغز متفکر حملات جاکارتا و اولین بمب گذاری‌های بالی، يك برنامه ریز ارشد عملیات

تروریستی زرقاوی که مشغول برنامه ریزی حملاتی در ترکیه بود، و بسیاری از رهبران ارشد القاعده در عربستان سعودی اشاره کرد.

در مجموع، ایالات متحده و شرکای ما از 11 سپتامبر تا کنون دست کم ده توطئه تروریستی بسیار جدی القاعده از جمله سه توطئه القاعده برای انجام حمله در داخل ایالات متحده را خنثی کرده ایم. ما همچنین دست کم پنج کوشش دیگر القاعده برای تعیین اهدافی در ایالات متحده یا وارد کردن عمال خود به داخل کشور را متوقف کرده ایم. این پیشرفت‌های پیوسته دشمن را زخمی کرده -- اما دشمن هنوز هم قادر به انجام عملیات در سطحی جهانی است. تعهد ما روشن است: ما به مبارزه ادامه خواهیم داد تا شبکه‌های سازمان یافته بین المللی تروریسم کشف و نابود شده و رهبرای آنها برای جنایت‌های خود پاسخگو قرار گیرند.

دوم، ما مصمم هستیم تا سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار رژیم‌های شرور و متحدان تروریستشان که بدون راه دادن تردیدی به خود از آنها استفاده می‌کنند قرار نگیرد. با همکاری با بریتانیا، پاکستان، و دیگر کشورها، ایالات متحده یک شبکه بازار سیاه بزرگ فناوری هسته‌ای به رهبری عبدالقدیر خان را کشف و نابود کرد. لیبی برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و همچنین موشکی دور برد خود را رها کرد. و در سال گذشته، ما و شرکایمان تحت طرح امنیت گسترش بیش از یک دوجین محموله مشکوک به ارتباط با فناوری تسلیحاتی منجمله تجهیزات برای برنامه **موشکی ایران** را متوقف ساختیم.

این پیشرفت‌ها خطرات موجود بر علیه کشورهای آزاد را کاهش داده، اما از میان نبرده. مردان خبیث که قصد دارند از سلاح‌های وحشتناکی بر علیه ما استفاده کنند برای دستیابی به آنها دائماً می‌کوشند. و ما مصرانه در حال تلاش هستیم تا سلاح‌های کشتار جمعی در دستان آنها قرار نگیرد.

سوم، ما مصمم هستیم تا گروه‌های رادیکال از حمایت و پناه رژیم‌های شرور برخوردار نشوند. دولت‌های حمایت گر مانند سوریه و ایران دارای تاریخچه طولانی‌ای در همکاری با تروریست‌ها بوده و مستحق هیچ نوع صبری از سوی قربانیان تروریسم نیستند. ایالات متحده هیچ تفاوتی میان آنهایی که اقدامات تروریستی انجام می‌دهند و آنهایی که از تروریست‌ها حمایت می‌کنند یا به آنها پناه می‌دهند قائل نمی‌شود، چون همه آنها به یک اندازه قاتل هستند. (کف زدن) دولت‌هایی که ترجیح می‌دهند با تروریسم متحد باشند، همچنین ترجیح می‌دهند که دشمن تمدن باشد. و جهان متمدن باید این رژیم‌ها را پاسخگو قرار دهد.

چهارم، ما مصمم هستیم تا مبارزان کنترل هیچ کشوری که از آن به عنوان پایگاه و سکویی برای انجام عملیات تروریستی استفاده شود را به دست نیاورند. به این منظور، ما در کنار شرکای افغانی خود بر علیه بقایای طالبان و متحدان القاعده آنها می‌جنگیم. به این منظور، ما برای به انزوا کشیدن و مقابله با مبارزان در پاکستان با پرزیدنت مشرف همکاری می‌کنیم. و به این منظور، ما با بقایای رژیم پیشین و تروریست‌ها در عراق مبارزه می‌کنیم. هدف تروریسم براندازی یک دموکراسی در حال برخاستن، تصاحب یک کشور استراتژیک به عنوان ایمنگاهی برای تروریسم، بی‌ثبات کردن خاورمیانه، و حمله به آمریکا و دیگر کشورهای آزاد با خشونت فزاینده است. هدف ما شکست دادن تروریست‌ها و متحدانشان در مرکز قدرتشان است -- و به همین دلیل ما دشمن را در عراق مغلوب خواهیم کرد.

ائتلاف ما با برنامه نظامی جامع و مشخصی به همراه متحدان عراقی مان در حال پیش روی است. منطقه به منطقه، شهر به شهر، ما به منظور پاکسازی نیروهای دشمن عملیات تهاجمی انجام داده و نیروهای عراقی را باقی می‌گذاریم تا از بازگشت دشمن جلوگیری شود. ما در این مناطق در تلاش هستیم تا بهبودهای ملموسی در زندگی شهروندان عراق ایجاد شود. ما در حال کمک رسانی به برخاستن دولت منتخبی هستیم که مردم عراق را در برابر افراط گرایی و خشونت متحد می‌کند. این کار خطرات زیادی برای عراقی‌ها، و آمریکایی‌ها و

نیروهای ائتلاف دارد. در هیچ جنگی نمی توان بدون ایثار برنده شد -- و این جنگ نیازمند ایثار بیشتر، زمان بیشتر، و اراده بیشتر است.

یازده ماه قبل در جریان عملیات فلوجه، تنها چند گردان ارتش عراق در عملیات رزمی شرکت داشت. امروز بیش از 80 گردان ارتش در کنار نیروهای ما با شورشگران می‌جنگند. پیشرفت آسان نیست، اما پیوسته است. و هیچ فرد منصفی نباید دستاوردهای مردم عراق را نادیده گرفته یا انکار یا رد کند.

فدرالیسم دموکراتیک بهترین امید برای متحد سازی جمعیت‌های متنوع است، چون سیستم مشروطه فدرال به حقوق و رسوم مذهبی تمامی شهروندان احترام گذاشته و در عین حال به تمامی اقلیت‌ها از جمله سنی‌ها سهم و صدایی در آینده کشور می‌دهد. این درست است که بذر آزادی همین اخیرا در عراق کاشته شده -- اما دموکراسی، پس از اینکه رشد کرد و به بار آمد، يك گل آسیب پذیر نخواهد بود؛ درختی سالم و نیرومند است. (کف زدن)

برخی ناظران همچنين اینگونه ادعا می‌کنند که به نفع آمریکا خواهد بود اگر ما به ضررها پایان دهیم و همین حالا عراق را ترك کنیم. این خیال باطل و توهمی خطرناک است که يك سوال ساده خلاف آن را به ثابت می‌رساند: آیا با قرار گرفتن عراق و مردم و منابع آن در کنترل زرقاوی و بن لادن ایالات متحده و دیگر کشورهای آزاد امن تر خواهند بود یا ناامن تر؟ پس از ساقط کردن دیکتاتوری که از مردمان آزاده تنفر داشت، ما در کناری ساکت نمی ایستیم تا قاتلانی که مصمم به نابود کردن کشور خود ما هستند کنترل عراق را از طریق خشونت به دست گیرند.

عنصر پنجم استراتژی ما در جنگ بر علیه تروریسم از میان بردن فرصت تروریست‌ها برای جلب نیروهای جدید از طریق جایگزینی نفرت و غیظ با دموکراسی و امید در سرتاسر خاورمیانه بزرگ است. این پروژه‌های دشوار و بلند مدت است، و جایگزین دیگری هم ندارد. آینده ما و آینده این منطقه با یکدیگر مرتبط هستند. ما **دوستان خاورمیانه‌ای** خود از جمله مصر و عربستان سعودی را ترغیب می‌کنیم تا راه اصلاحات را پیش بگیرند و با احترام به حقوق و انتخاب‌های مردم خودشان اراده جوامع خود را در جنگ بر علیه تروریسم تقویت کنند. ما در برابر رژیم‌های ظالم از دگراندیشان و تبعید شدگان دفاع می‌کنیم چون دگراندیشان امروز رهبران دموکراتیک فردا خواهند بود. ما با طرح استدلال خود از طریق دیپلماسی دولتی، اعتقاد خود به خود مختاری، حاکمیت قانون، آزادی دین، و حقوق برابر زن را به روشنی و با اطمینان کامل مطرح می‌کنیم. این اعتقادات در هر سرزمین و هر فرهنگی صحیح و مقبول هستند.

در حالی که ما سهم خود را در برخورد با رادیکالیسم انجام می‌دهیم، می‌دانیم که حیاتی ترین فعالیت‌ها در خود جهان اسلام انجام خواهد شد. و این فعالیت‌ها از هم اکنون آغاز شده اند. بسیاری از علمای اسلامی با اشاره به آیه 32 سوره 5 قرآن که می‌گوید کشتن يك انسان بی‌گناه مانند کشتن تمام بشریت است و نجات جان يك فرد مانند نجات تمام بشریت است، از هم اکنون به محکوم کردن تروریسم در انظار عمومی پرداخته اند. پس از حملات تروریستی لندن در 7 ژوئیه، امامی در امارات متحده عربی اعلام کرد، "هر کسی که مرتکب چنین اعمالی شود نه مسلمان است و نه متدین." وقت آن رسیده که تمام رهبران مسلمان متعهد در تقبیح و محکوم کردن ایدئولوژی‌ای که برای اهداف سیاسی از اسلام سوء استفاده می‌کند و دینی شریف را آلوده می‌کند شرکت کند.